

بسمه تعالی

گزارش و برنامه‌های دانشکده ادبیات

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی به یاری خداوند بزرگ و همراهی تمامی همکاران فرهیخته در حال تدوین برنامه راهبردی سه ساله خود در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، کارآفرینی و برنامه‌ریزی و توسعه منابع در سطح گروه‌های آموزشی و دانشکده در مسیر سند چشم‌انداز دانشگاه (۱۳۹۹) می‌باشد. امید است با انجام این مهم در یک ماه آینده گامی مؤثر در راه اعتلای دانشگاه فردوسی مشهد برداشته شود. در چنین شرایطی و نیز براساس تجربه چهار سال اخیر، با ارج نهادن به پشتیبانی‌ها و توجهات جنابعالی و معاونان محترم دانشگاه نسبت به علوم انسانی در این مدت به عرض می‌رساند برای رسیدن به جایگاه مناسب در این حوزه زیربنایی، برداشتن گام‌های مؤثرتری مورد نیاز است. بنابراین با تأکید بر ضرورت توجه بیشتر مجموعه مدیریتی دانشگاه به ماهیت و کارکردهای خاص رشته‌های علوم انسانی در مقایسه با دیگر حوزه‌های علمی اهتمام در زمینه‌های زیر راهگشا خواهد بود:

الف) حوزه آموزشی - فرهنگی

۱- مسأله دانش‌آموختگان:

همان‌طور که استحضار دارید امروزه شاهد خیل گسترده‌ای از دانش‌آموختگان بیکار به ویژه در زمینه علوم انسانی هستیم. باید اعتراف کرد که ما دانشگاهیان دست‌کم سهمی در پدید آمدن این وضعیت داریم چرا که ظاهراً در تعارض بین جذب دانشجو و کسب درآمد برای دانشگاه از یک سو و نیاز بازارکار از سوی دیگر ما عملاً جانب اول را گرفته‌ایم و خواسته یا ناخواسته بر انبوه بیکاران افزوده‌ایم. برای جبران این وضعیت و جلوگیری از تداوم آن پیشنهاد می‌شود با بررسی مجدد قانون بازنشستگی در جهت کاهش سن اشتغال اعضای هیأت علمی، استفاده مؤثر از دانش‌آموختگان در کلاس‌های درس، ایجاد رشته‌های تقاضامحور، متعادل کردن پذیرش دانشجو، بخصوص در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، و اهتمام بیشتر به مهارت‌آموزی دانشجویان گام‌هایی محسوس برداشته شود. در همین مورد ایجاد بانک اطلاعاتی دقیق و روزآمد از دانش‌آموختگان دانشگاه برای آسیب‌شناسی رشته‌ها مفید خواهد بود.

۲- اعتباربخشی به امر آموزش:

بسیار شنیده و می‌شنویم که تأکید بر پژوهش در دهه گذشته بخصوص در دانشگاه‌های تراز اول و در حال رقابت سخت با یکدیگر، آموزش را به حاشیه رانده است. اگرچه گام‌هایی برای جبران این وضع برداشته شده اما به نظر می‌رسد برای رسیدن به جایگاهی مطلوب توجه و تلاش بیشتری را لازم داریم. تعریف و تدوین آیین‌نامه «آموزه» در کنار و یا در درون «پژوهه» می‌تواند اقدامی اعتباربخش در این زمینه به شمار آید.

۳- ایجاد رشته‌های کاربردی و مطالعات میان‌رشته‌ای :

در سال‌های اخیر بسیار درباره توجه به رشته‌های کاربردی و حوزه‌های میان‌رشته‌ای و حذف رشته‌های کم‌رونق و کم‌کاربرد سخن گفته شده است، ولی چنین پیداست که حرکت در این زمینه دست‌کم در حوزه علوم انسانی نیازمند شتاب بیشتری است. متأسفانه استقبال گروه‌های آموزشی در این زمینه چندان نبوده و دانشگاه نیز همواره منتظر ارائه پیشنهاد از سوی آنهاست. پیشنهاد می‌شود دانشگاه به عنوان متولی اصلی تغییرات و نوآوری علمی - آموزشی نقش جدی‌تری ایفا و با انجام پژوهش‌های میدانی در این زمینه به عنوان مطالبه‌گر وارد عمل شود. همچنین شایسته است تدابیری اندیشیده شود تا فرایند تصویب رشته‌های جدید بخصوص برای رشته‌های پیشنهادی تازه تأسیس (که هم اکنون یک تا دو سال است) به حداقل ممکن برسد. همچنین در نظر گرفتن مشوق‌های ویژه برای دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی و اعضای هیأت علمی پیشگام در این زمینه‌ها راهگشا خواهد بود.

۴- آموزش مجازی:

ضمن تقدیر از دست‌اندرکاران عرصه آموزش مجازی دانشگاه، به نظر می‌رسد مدتی است که حرکت ایجاد رشته، گرایش و یا حتی درس مجازی با کندی همراه شده است. فرهنگ‌سازی بیشتر در سطح دانشگاه و جامعه و فراهم نمودن زیرساخت‌ها (مرکز آموزش مجازی در هر دانشکده، افزایش سرعت اینترنت، به روز کردن امکانات ارتباطی و ..) و ارائه مشوق‌های بیشتر می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد. به جز آموزش‌های درسی، برگزاری نشست‌های علمی و جلسات دفاع از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها به صورت مجازی که اخیراً در این دانشکده به طور جدی مدنظر قرار گرفته است نیز گامی مهم در گسترش ارتباط‌های علمی داخلی و بین‌المللی است. ضمن آنکه موجب صرفه‌جویی قابل توجهی در منابع مالی خواهد شد. چنانکه اشاره شد توفیق در این زمینه نیازمند سرمایه‌گذاری فناورانه و تأمین وبه روز کردن زیرساخت‌های مربوط می‌باشد.

۵- مسأله بومی‌گزینی دانشجویان

تا آنجا که به دانشکده ادبیات و علوم انسانی مربوط می‌شود آنچه در یک دهه اخیر تحت عنوان بومی‌گزینی در جذب دانشجویان و در جهت غلبه بر مشکلات اجرائی و مالی در پیش گرفته شده موجب کاهش جذب دانشجویان نخبه و در عین حال ایجاد اختلال در هویت فراگیر ملی از طریق قطع ارتباط دانشجویان غالباً خراسانی با مردم سایر نقاط کشور بخصوص در دوره کارشناسی شده است. با کاهش جمعیت دانشجویی در یکی دو سال اخیر انتظار می‌رود تجدید نظری در این زمینه صورت گیرد.

۶- مرجعیت فرهنگی:

با توجه به پیشینه تاریخی - فرهنگی دانشکده ادبیات انتظار می‌رود تدبیری اندیشیده و امکاناتی فراهم شود تا این دانشکده بتواند به مرکزی برای گفت‌وگوها و برنامه‌های فکری و فرهنگی تبدیل شود. گرد آوردن نخبگان فکری - فرهنگی، برگزاری برنامه‌های متنوع اعم از سخنرانی‌های مؤثر در حوزه فرهنگ عمومی و گفتمان‌سازی علمی - دانشگاهی، نشست‌های جدی نقد و بررسی و حمایت بیشتر از برنامه‌های مرتبط با فرهنگ ملی و دینی

از جمله مواردی است که در این زمینه می‌تواند مدنظر قرار گیرد. از این جهت نوع رابطه و تعامل معاونت دانشجویی - فرهنگی دانشگاه با دانشکده ادبیات و علوم انسانی نیاز به بازنگری دارد.

ب) پژوهشی

۱- کتابخانه:

چنانکه می‌دانیم منابع کتابخانه‌ای در حوزه علوم انسانی نقشی زیربنایی و تعیین‌کننده دارند. براین مبنا توسعه و تجهیز فیزیکی و محتوایی کتابخانه دانشکده‌های علوم انسانی از ضرورت‌های اساسی می‌باشد. تأمین فضای کافی برای افزایش قفسه‌ها به تناسب افزایش منابع جدید، گسترش فضا برای استقرار کتابخانه‌های اهدائی (که در علوم انسانی امری رایج‌تر است)، تأمین منبع مالی برای فهرست‌نویسی و بارگذاری حدود ۱۵۰ هزار نسخه دیجیتال از نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف جهان که به همّت اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشکده گردآوری شده است (حدود ۲۰۰ میلیون تومان در طی سه سال مورد نیاز است) از جمله نکات قابل توجه در این زمینه می‌باشد.

۲- توسعه ارتباط‌های بین‌المللی:

چنانکه تجربه سال‌های اخیر نیز نشان می‌دهد دانشکده ادبیات و علوم انسانی یکی از دانشکده‌های مهم و دارای قابلیت‌های زیاد انسانی و محتوایی برای فعالیت‌های بین‌المللی می‌باشد. با این حال پیشبرد و گسترش این فعالیت‌ها برخی ملاحظات را نیاز دارد. کمبود اعتبار پژوهش برای شرکت در کنفرانس‌های خارجی (باتوجه به پایین بودن میانگین اعتبار پژوهشی اعضای علمی که خود بسته به دشواری چاپ مقاله در نشریات دارای نمایه برتر و موارد مشابه می‌باشد)، شفاف نبودن وضعیت پژوهانه B و عدم امکان استفاده از آن برای فعالیت‌های بین‌المللی اعضای هیأت علمی، ضعف دانش زبانی دانشجویان و استادان (به جز رشته‌های زبان خارجی) و جدی نگرفتن ارزشیابی زبانی در جذب دانشجو و طی مراحل تحصیلی، عدم پذیرش دانشجوی خارجی در دوره‌های دکتری پژوهش محور، کم‌انگیزگی برای استفاده از فرصت‌های فراهم آمده در قالب تفاهم‌نامه‌های همکاری با دانشگاه‌های خارجی، و کمبود اعتبار مربوط به فرصت مطالعاتی دانشجویان از جمله موانع موجود در این مسیر می‌باشد. در همین زمینه قابل ذکر است که مصوبه اخیر در خصوص افزایش سقف پرداخت هزینه شرکت اعضای هیأت علمی در کنفرانس‌های خارجی نیز با توجه به پایین بودن میزان اعتبار پژوهش و مشروط بودن آن به تأمین پنجاه درصد از محل اعتبار پژوهش عملاً کمکی در این زمینه نکرده است.

۳- کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها:

ضرورت‌های تخصصی برخی رشته‌های علوم انسانی (زبان‌های خارجی، زبان‌شناسی و جغرافیا) و نیز اهمیت توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای نیازمند توسعه، تجهیز و روزآمدسازی آزمایشگاه‌ها می‌باشد. سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌تواند زیرساختی مهم برای تولیدات علمی معتبر در سطح ملی و بین‌المللی و در ضمن، زمینه‌ساز گسترش ارتباط با جامعه و حتی درآمدزایی برای دانشگاه باشد (مانند آزمایشگاه مجهز GIS). شایسته است در

برنامه‌های پیش روی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه برای سامان‌دهی وضعیت آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های دانشگاه به نیازهای دانشکده ادبیات در این حوزه توجه جدی مبذول شود.

۴- نشریات:

دانشکده ادبیات و علوم انسانی با دارا بودن تعداد بالایی از مجلات علمی - پژوهشی در سطح دانشگاه (۱۱ مجله علمی - پژوهشی) و نیز قابلیت موضوعی برای انتشار مجلات جدید میان‌رشته‌ای و بین‌المللی در صورت فراهم شدن زیرساخت‌های اجرایی و تسهیل فرایندها از آمادگی لازم برای پیشرفت در این زمینه برخوردار است. اگرچه از هم اکنون برخی نشریات دانشکده، برنامه قرار گرفتن در میان نشریات برتر کشور و نمایه بین‌المللی شدن را به طور جد دنبال می‌کنند، ادامه و توسعه این مسیر نیازمند برخی توجهات می‌باشد. برون‌سپاری فرایند تولید نشریات، پرداخت سریع حق‌الزحمه داورى مقالات، ایجاد انگیزه بیشتر برای متولیان نشریات (سردبیر، مدیر داخلی - در ترفیع، ارتقاء و...) و حمایت از مرکز ترجمه و ویراستاری نشریات از جمله مواردی است که می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد.

۵- دوره‌های پسادکتری:

شرایط تعیین شده برای جذب پژوهشگر در دوره‌های پسادکتری از جمله تأمین منابع مالی توسط استاد و از منابع خارج از دانشگاه با توجه به محدودیت‌های خاص بیشتر رشته‌های علوم انسانی عملاً جذب دانشجوی در این حوزه را مشکل می‌کند.

پ) برنامه‌ریزی و توسعه منابع انسانی و مالی

۱- جذب هیأت علمی:

به نظر می‌رسد دانش‌آموختگان نخبه تمایل کمتری برای جذب در دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان عضو هیأت علمی را دارند. در این صورت انجام یک بررسی در زمینه جاذبه‌ها و روش‌های جذب در دانشگاه و تصمیم‌سازی براساس آن مفید خواهد بود. از سوی دیگر برای جذب نیروهای کارآمد توجه بیشتر به توانمندی‌های آموزشی (معلمی) داوطلبان با الزام به حضور متخصصین امر تدریس و نیز سنجش جدی توانمندی زبان خارجه داوطلبان در فرایند جذب به انتخاب‌های شایسته کمک خواهد کرد.

۲- فرایند ارتقاء:

پیوند زدن تبدیل وضعیت به امتیازات ارتقاء آنهم در شکل حداکثری یکی از منابع ایجاد دغدغه در میان اعضای هیأت علمی جوان است که عملاً سال‌های نخست خدمت آنها را به دورانی پراضطراب تبدیل کرده و بسیاری را به اموری چون «مقاله‌آفرینی» به جای تمرکز بر تقویت توان معلمی خود کشانیده است. از سوی دیگر با روال درپیش گرفته شده انتظار می‌رود اعضای هیأت علمی تازه استخدام در یک دوره حدوداً پنج ساله به مرتبه

دانشیاری و در یک دوره حدوداً پنج ساله دیگر به مرتبه استادی نائل شوند. به عبارت دیگر اکثر قریب به اتفاق آنها پیش از رسیدن به نیمه دوره خدمتی خود استاد تمام خواهند بود. با این حساب پرسش‌های متعددی از جمله در مورد وجود انگیزه برای دوره پسارتقا وجود دارد. با این توضیح پیشنهاد می‌شود در کارگروهی این مهم مورد بررسی قرار گرفته و تدابیر لازم اندیشیده شود.

۳- آسان‌سازی روندهای اداری مربوط به اعضای هیأت علمی:

اعضا هیأت علمی گاه برای کارهای اداری و سازمانی خود وقت و انرژی فکری زیادی را صرف می‌کنند و خود شخصاً باید برای هر امری از جمله ترفیع، تبدیل وضعیت، بیمه و غیره (باوجود اطلاعات در سیستم) اقدام و مراحل گاه طولانی را با صرف وقت و دغدغه‌مندی طی کنند. از این جهت شایسته است هر یک از بخش‌های مربوط، با شناسایی موانع و مشکلات در جهت برطرف کردن آنها گام بردارند.

۴- مسأله تعهد سازمانی:

به نظر می‌رسد تعهد سازمانی چنانکه شایسته یک دانشگاه تراز اول است در میان اعضای هیأت علمی دیده نمی‌شود و بسیاری از اعضای هیأت علمی به هر دلیلی به سمت بی‌تفاوتی، عدم حضور مؤثر و یا اشتغال موازی تمایل دارند. اگرچه این مشکل کمابیش در سطح کشور فراگیر است اما انتظار می‌رود دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان یک دانشگاه مرجع در سطح وزارت عتف به موضوع بپردازد.

۵- امور مدیریتی و پشتیبانی:

رویکردهای جدید در مأموریت دانشگاه نیازمند چابک‌سازی هرچه بیشتر روندها و فرایندهای اداری - مالی می‌باشد. تا آنجا که به دانشکده ادبیات و علوم انسانی مربوط می‌شود نبود مدیر در حوزه مالی و پشتیبانی (برنامه‌ریزی و توسعه)، دفتر کارشناسی مستقل برای ارتباط با جامعه و کارشناس مستقر برای امور بین‌الملل در دانشکده از جمله موانع موجود می‌باشد. همچنین با وجود تصمیمات گرفته شده در سال‌های اخیر از جمله واگذاری‌های انجام شده به نظر می‌رسد همچنان بدنه فرسوده و گاه ناکارآمد اداری - اجرایی دانشگاه پاسخگوی نیازهای جامعه تخصصی و مدرن امروزی و همسو با عدم تصدی‌گری دولت، نیست و بخش مهمی از وقت و توان مدیریتی دانشکده بر رفع مشکلات در حوزه‌های مالی و پشتیبانی صرف می‌شود. در صورتی که این وقت و انرژی باید به ارتقای کیفی حوزه‌های مختلف دانشکده اختصاص یابد.

سه‌شنبه ۹۶/۱۰/۱۹ خورشیدی